

اگرچه نیت خوبی است زیستن ...  
اما خوشا که دست به تصمیم بهتری بزنیم!

 [www.konkursara.com](http://www.konkursara.com)

 ۰۲۱۵۵۷۵۶۵۰۰

دانلود بهترین جزوات در

**کنکورسرا**

کنکورسرا

مرجع تخصصی قبولی آزمون فرهنگیان و آزمون استخدامی آموزش و پرورش

## خلاصه درس ۱۰ جغرافیا یازدهم

### کشور یک ناحیه سیاسی

امروزه ۱۹۳ کشور مستقل در جهان وجود دارد که عضو سازمان ملل هستند.

هر کشور حداقل سه رکن بنیادی دارد:

۱- سرزمین: هر کشور بخشی از سطح زمین را اشغال کرده و زیستگاه مشترک افرادی است که به آن کشور تعلق دارند.

۲- جمعیت: هر کشور دارای جمعیتی است که در محدوده سرزمین مستقر و مقیم اند و برای اداره امور خود نظام سیاسی و حکومتی تاسیس می‌کنند.

۳- نظام سیاسی: در واقع، همان حکومت است که وظیفه اداره امور سرزمین و جمعیت را بر عهده دارد.

نکته: درباره موجودیت یک کشور، علاوه بر سه رکن سرزمین، جمعیت و حکومت بر عنصر چهارمی نیز تأکید می‌شود که حاکمیت است. حاکمیت یعنی داشتن استقلال و بی‌نیاز بودن از نظارت دولت‌های خارجی، حاکمیت یک کشور نشان‌دهنده استقلال و اقتدار سیاسی آن است.

"کشور عبارت است از یک ناحیه سیاسی مستقل که دارای سرزمین مشخص، جمعیت دائمی و مقیم و حکومت مرکزی است و

بر امور داخلی و خارجی خود حاکمیت دارد."

### سرزمین

فضا و قلمرو جغرافیایی یک کشور، سرزمین آن است.

سرزمین یک کشور دارای منابعی است و عرصه ای برای فعالیت‌های اقتصادی و کار و زندگی مردم آن کشور محسوب می‌شود. سرزمین به عنوان مکان تولد یا زندگی افراد، یکی از بنیادهای هویتی آن‌ها محسوب می‌شود. هویت مکانی احساس تعلق است که به واسطه ارتباط با یک مکان در یک فرد یا گروه ایجاد می‌شود.

### الف) مرز

خط اعتباری و قراردادی است که برای تعیین حدود یک ناحیه سیاسی از جمله کشور، به روی زمین مشخص می‌شود. **\*\* مرزها مهم ترین عامل تشخیص و جدایی کشورها از یکدیگراند.**

اهمیت مرزها از چه نظر است؟

از این نظر که قلمرو رسمی و اعمال مدیریت سیاسی هر کشورند و حدود حاکمیت و اداره یک حکومت را تعیین می‌کنند. روش تعیین مرز: ابتدا کشورها برای تعیین خطوط مرزی به توافق می‌رسند و سپس، طبق نقشه ترسیم شده از محل عبور خطوط مرزی، روی زمین علامت گذاری می‌کنند. امروزه خطوط مرزی کشورها ارزش حقوقی و بین‌المللی دارند؛ زیرا محدوده‌های کشورهای هم‌مرز در اسناد سازمان ملل متحد ثبت می‌شود.

## انواع مرزها

### ۱. طبیعی

کوه‌ها: برای تعیین خط مرزی از امتداد ارتفاعاتی که میان دو کشور قرار گرفته است، استفاده می‌کنند. برای تعیین خط مرزی در امتداد رشته کوه‌ها، خط الراس کوه‌ها در نظر گرفته می‌شود.

\* خط الراس خطی است که از متصل کردن نوک بلند ترین نقاط کوهستانی به یکدیگر به وجود می‌آید. رود‌ها: اگر یک رود مرزی بین دو کشور باشد، برای تعیین مرز از خط منصف یا تالوگ استفاده می‌کنند. خط منصف خطی است که وسط رودخانه می‌گذرد و فاصله مرز از هر دو ساحل به یک اندازه است. ممکن است خط مرزی عمیق ترین نقاط بستر رود را به هم متصل کند که به آن تالوگ می‌گویند. در رودهای قابل کشتی‌رانی، تالوگ بهترین خط مرزی است؛ چون هر دو کشور حق کشتی‌رانی در دو طرف آن رادارند.

دریاها: برای تعیین مرز دریایی، ابتدا خط مبنا را تعیین می‌کند. خط مبنا پایین ترین حد جزر دریاست.

\* به آب‌های پشت خط مبنا به طرف ساحل آب‌های داخلی می‌گویند که کشور مجاور دریا مالک آنهاست.

\* از خط مبنا به سمت دریا تا حدود ۱۲ مایل دریایی، دریای سرزمینی نامیده می‌شود که آن هم متعلق به کشور مجاور دریاست اما سایر کشورها در آن منطقه حق عبور و مرور بدون ضرر رادارند.

نکته: آب‌های آزاد به بخش‌هایی از دریا گفته می‌شود که در مالکیت هیچ کشوری قرار ندارند. در آب‌های آزاد کشتی‌رانی، فعالیت نظامی، ماهیگیری، ایجاد تأسیسات و تحقیقات برای همه کشورها آزاد است؛ مشروط به اینکه مُخَلّ دریاوردی بین‌المللی نباشد.

### ۲- مرزهای غیرطبیعی

در بخش‌هایی از زمین که امکان استفاده از پدیده مای طبیعی برای تعیین خطوط مرزی وجود داشته باشد، با استفاده از مختصات جغرافیایی خط مرزی تعیین می‌شود.

مانند مرز بین کانادا و آمریکا روی مدار ۴۹ درجه شمالی. مرزهای غیرطبیعی یا مصنوعی همچنین با توافق دو کشور هم‌جوار بر روی زمین تعیین و علامت گذاری می‌شود؛ مانند مرز ایران و افغانستان.

## انواع مرزها

- مرزهای پیشتاز: مرزهایی هستند که از زمان مای قدیم در نواحی خالی از سکنه ترسیم شده اند و بعد ها نیز مورد قبول ساکنان دو کشور همسایه واقع شده اند.

\*مانند مرز بین آلسکا و کانادا

- مرزهای تطبیقی: با در نظر گرفتن شرایط فرهنگی تعیین می شوند و گروه های انسانی را، که از نظر قومی، زبانی، دینی و غیره متفاوت اند، از یکدیگر جدا می کنند.

\*مانند مرز بین پاکستان و هند که در آن منطقه مسلمان نشین و هندو نشین جدا شد.

- مرزهای تحمیلی: در این نوع مرز بندی افراد یک ملت یا قوم را که دارای دین و زبان مشترک هستند، از هم جدا می کنند و دو کشور همسایه در دو حکومت جداگانه قرار می گیرند.

\*مانند مرزهایی که کشورهای استعمار گر در قاره آفریقا ایجاد کردند. یا مرز بین کره شمالی و جنوبی

"در سال ۱۹۴۵ میلادی، پس از پایان جنگ جهانی دوم و سال ها سیطره ژاپن بر شبه جزیره کره، این کشور به دو کشور کره شمالی و جنوبی تقسیم شد. در آن زمان، کشور کره شمالی به بلوک شرق کمونیستی پیوست و کره جنوبی نیز تحت سیطره بلوک غرب قرار گرفت. در زمان تقسیم کره به دو کشور، امریکا و اتحاد جماهیر شوروی سابق توافق کردند مرز دو کشور روی مدار ۳۸ درجه تعیین شود. پس از تقسیم کره، بارها بین دو کشور حمله مای نظامی و درگیری مای مرزی رخ داده است و اختلافات تا امروز نیز ادامه دارد."

- مرزهای هوایی: هر سرزمین می تواند بر فضای بالای سرزمین خود نیز می تواند ادعای حاکمیت داشته باشد. مرز هر کشور مثل یک دیوار فرضی است که دور تا دور سرزمین آن را احاطه کرده است و از طرف بالا نیز به سمت جو ادامه دارد. هواپیما ها برای عبور از مرز هوایی باید اجازه بگیرند.

## اهمیت مرزها

- مرزها در روابط یک کشور با کشورهای همسایه تأثیرگذارند و می توانند عاملی برای ثبات و آرامش یا اختلاف و منازعه باشند. منازعات مرزی سابقه ای طولانی دارند و از زمان جنگ جهانی دوم تا کنون، تقریباً نیمی از کشورها درگیر اختلافات مرزی اند. کشور ما حدود ۸۷۵۵ کیلومتر مرز مشترک با کشورهای همسایه دارد و با ۱۵ کشور از راه خشکی و دریا هم مرز است حفاظت و مدیریت و کنترل مرزهای کشور بر عهده مرزبانان نیروی انتظامی و دفاع از مرزهای زمینی و هوایی و دریایی کشور در برابر تهدیدات خارجی بر عهده نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران است. مرزها تأثیر بسزایی در جابه جایی مسافران و مبادلات بازرگانی (صادرات و واردات کالا) و توسعه اقتصادی کشورها دارند. به همین دلیل، امن بودن یا ناامن بودن آن ها بر رونق اقتصادی کشورها تأثیر می گذارد.

## تقسیمات کشوری

حکومت‌ها برای اداره آسان‌تر فضای جغرافیایی کشورها و ارائه خدمات به شهروندان به مرز بندی سیاسی- اداری در داخل کشور می پردازند. میزان اختیارات واحد مای سیاسی درون کشور، تأمین منابع مالی و قوانین و ... در کشورهای مختلف متفاوت است.

پایتخت، کانون سیاسی کشور

- پایتخت مرکز سیاسی یک کشور است.

- فرمان‌ها و تصمیمات سیاسی از این نقطه در سراسر کشور پخش می‌شود.

- روسای قوای مقننه، مجریه و قضاییه و وزارت خانه‌ها و سازمان‌های اصلی دولت‌ها و سفارت مای خارجی در پایتخت مستقر اند.

- مکان تصمیم‌گیری‌های سیاسی ومالقات سران یک کشور با نمایندگان حکومت سایر کشورها

- پایتخت یک کشور معمولاً به بزرگ ترین و مهم ترین شهر یا کالن شهر آن تبدیل می‌شود.

## عواملی که در انتخاب یک مکان به عنوان پایتخت مؤثر اند:

\* داشتن قابلیت مای محیطی مناسب؛ مانند دسترسی به آب اراضی حاصلخیز

\* داشتن جمعیت قابل توجه

\* در تقاطع راه‌های ارتباطی قرار داشتن، دسترسی آسان به سرتاسر کشور به ویژه مرزها،

\* داشتن قابلیت دفاعی مناسب و دور بودن از مرزها

در برخی کشورها به دلایل مختلف پایتخت از یک شهر به شهر دیگر منتقل می‌شود. مثل انتقال پایتخت ریودوژانیرو به برازیلیا.

علت تبدیل شدن پایتخت به کلان شهر :

تمرکز قدرت سیاسی و وزارت خانه‌ها و سازمان‌های دولیت تمرکز اقتصادی نهادهای مالی و پولی و شرکت‌های بزرگ در پایتخت‌ها، موجب تبدیل آن‌ها به کالن شهر می‌شود که پیامد هایی مثل رشد جمعیت، ترافیک، آلودگی هوا و کمبود مسکن را به دنبال دارد.

## ملت

عنصر بنیادین یک کشور است و بدون آن کشور معنایی ندارد. جمعیتی است که در قلمرو یک سرزمین مشخص مستقر شده است و با هم اشتراکات تاریخی، زبانی، مذهبی اقتصادی و آرمان مای مشترکی دارند. هویت یک ملت ریشه در تاریخ و فرهنگ مشترک آن دارد که طی نسل مای متوالی پدید آمده است و افراد به دلیل همین اشتراکات با یکدیگر احساس همبستگی می‌کنند.

## حکومت

وظایف اصلی

اداره امور سرزمین، اداره سازه یا ساختار انسانی، روابط خارجی

## الگوی مدیریت سیاسی فضا

۱- نظام سیاسی تک ساخت: فرانسه از پیشگامان این الگو است و از اروپا به دیگر کشورها راه یافته است. در این نوع نظام سیاسی، کشور به واحد مای سیاسی واداری کوچک تر مانند استان و شهرستان تقسیم می‌شود. اما حکومت مرکزی اختیارات آن‌ها را تعیین می‌کند.

-نظام سیاسی فدرال: در این نوع نظام سیاسی، کشور به چند ایالت تقسیم می‌شود و ایالت‌ها اختیارات زیادی دارند.

حکومت و توزیع قدرت در سرزمین دو سطح دارد: ۱- فدرال و ملی / ۲- سطح ایالت (منطقه)

-نظام سیاسی ناحیه ای و ترکیبی: در این نوع نظام بخش اعظم کشور تک ساخت است؛ فقط یک یا بخش کوچک به

صورت ناحیه ای و خودمختار اداره می‌شوند و اختیارات سیاسی و اجرایی خودشان را دارند.

مانند کشورهای عراق، انگلستان و جمهوری آذربایجان

## پیدایش و بقای یک کشور

کشورهای جهان بر پایه چند عامل به وجود آمده و ادامه حیات داده اند: هویت ملی، همبستگی ملی، پیوستگی